

دانش، سرمایه سازمان است

امروزه ما به سبب انفجار دانش، در زمینه های گوناگون زندگی با تغییر مواجه ایم؛ تغییر در صنعت، فنون، روشها، روابط و سرانجام، در ارزشها و بینشها. به منظور استفاده بهتر و بهینه کردن فعالیتهای زندگی، توجه به اهمیت نقش آفرینی دانش برای تمام انسانها، بخصوص برای مدیران، ضروری است. در اینجا برای استفاده علاقه مندان، به چند نکته کلیدی و راهبردی در مورد چگونگی مدیریت بر مبنای دانش اشاره می شود:

● اقتصاد مبتنی بر دانش: اقتصاد مبتنی بر دانش، مرحله انتقال ثروت از دارایی های ملموس به دارایی های غیر ملموس است و روش جدید ایجاد ارزش برای ثروتهای اقتصادی است. دارایی های غیر ملموس، جزء وظایف هر سازمان شناخته می شود. با اقتصاد مبتنی بر دانش، محدودیتها و مرزهای فعالیتهای سازمان از بین رفته و تکیه گاه محکمی در عرصه رقابت برای سازمان ایجاد شده است.

● ساختار مبتنی بر دانش: مدیران موفق دریافته اند که کار جمعی بیش از کار فردی برای سازمان ارزش ایجاد می کند. لحاظ کردن تمام عوامل دخیل در تولید و خدمات، اعم از تأمین کننده (Supplier)، مشتری، کارکنان، شرکا و حتی رقبا در ساختار، سازمان را تقویت می کند و در تحقق اهداف، به سازمان ادامه حیات می بخشد. با توسعه سازمانها، تعهد به فعالیتهای یادگیری سازمانی، موجب می شود که سازمان به سوی یک سازمان یادگیرنده گرایش پیدا کند و مزیت رقابتی پایدار داشته باشد.

● کارکنان با دانش: امروزه در تمام بخشهای تولیدی و خدماتی، دانش حرفه ای بیشترین وزن را دارد. در یک سازمان دانش گرا کارکنان می دانند که دانش آنان در عملکرد سازمان شان بسیار مهم است. با دانش و مهارت کارکنان، سازمان حالت کارآفرینی پیدا می کند و می تواند خود را با نیازهای روز تطبیق دهد.

● فرآیند مبتنی بر دانش: می توان گفت که فرآیند در مدیریت هر کسب و کار، بزرگترین سهم را در کیفیت سازمان دارد. بهبود سیستم از فرآیند شروع می شود. لزوم پاسخگویی به دگرگونی ها و تغییرات بازار، پویایی سیستم را می طلبد و این پویایی ایجاب می کند که فرآیندها مرکب و دارای جهات و ابعاد مختلف باشند. فرآیندها نه تنها باید نیاز مشتری را درک کنند، بلکه باید یاد بگیرند و یادگیری را یک سرمایه معنوی و فکری به شمار آورند. مدیریت فرآیند مبتنی بر دانش، در تمام مراحل مدیریتی، تعیین مسئولان و تبیین محدوده فرآیندها، ایجاد نقاط کنترل، و عملیات اصلاحی، دانش و تجربه را اساس کار خود قرار می دهد.

● فناوری داده پردازی دانش: در چند سال اخیر، انتقال عمده ای از داده پردازی اطلاعات به داده پردازی دانش صورت گرفته است. این انتقال، به صورت ابزارهای جدید یادگیری، از جمله ابزارهای الکترونیکی، ابزارهای هوش مصنوعی، سیستمهای تصمیم گیری و ...، نمود یافته است.

با توجه به موارد مذکور، ملاحظه می شود که امروزه «دانش» منبع جدید و قابل گسترش برای ثروتهای اقتصادی است و منابع مالی نیست که کمبود آن برای تولید ثروت اقتصادی مشکل ساز باشد. امروزه دانش، تنها تکیه گاه واقعی برای شکوفا کردن استعدادها و ظرفیتهای بشری است و چالش امروز نیز تعیین و ایجاد ارتباط بین این ظرفیتهای و عملکردهای اقتصادی است. اقتصاد مبتنی بر دانش، فرصتهای غیرقابل پیش بینی را برای ساختن آینده فراروی ما می گذارد. در این فضای ایجاد شده، اندیشه ها و افکار ارزش پیدا می کنند و در جهت توسعه جامعه انسانی به کار می روند. از همین منظر است که اندیشه ها منبع ثروت برای جامعه به شمار می آیند. □